



3

Vol. 11
winter 2025

Research Paper

Received:
2025/08/24
Revised:
2025/09/14
Accepted:
2025/09/14
Published:
2025/12/22
P.P: 93-110

ISSN: 2783-1914
E-ISSN: 3092-7765



State Studies of Contemporary Iran

Iran and the New Global Order After the Ukraine War:

Strategic Opportunities and Challenges

Ali Mohammad sharifi¹ | Pezhman Elhami taleshmikaeil²

Abstract

The war in Ukraine, as a pivotal turning point in the evolution of the international order, has intensified structural anarchy and accelerated the shift towards multipolarity, presenting Iran with profound strategic opportunities and challenges. This article employs the theoretical frameworks of Realism and Structural Neorealism to analyze this issue. The research findings indicate that on one hand, this new order—particularly through the global energy crisis—has created a unique opportunity for Iran, as a holder of vast oil and gas resources, to enhance its role in global energy security. By strengthening strategic alliances with Eastern powers, notably China and Russia, Iran can create a balance of power against Western pressure. Furthermore, the new multipolar landscape provides the possibility for broader diplomatic maneuverability and an escape from isolation for Iran. On the other hand, persistent crippling sanctions, intensified regional rivalries with actors such as Saudi Arabia and Israel, the risk of over-dependence on Eastern power blocs, and the necessity for internal reforms to increase national resilience constitute major challenges for Iran. This research concludes that Iran's success in this new order is contingent upon adopting a pragmatic and multidimensional strategy. This strategy must emphasize the maximization of national interests, the enhancement of relative capabilities in economic, military, and diplomatic spheres, while simultaneously maintaining strategic autonomy and avoiding excessive dependence on any single global power bloc. Navigating this complex landscape requires astute diplomacy to leverage emerging opportunities while mitigating inherent risks.

Keywords: Iran, Ukraine War, Foreign Policy, Global Order, Realism.

1. Assistant Professor of Political Science, Department of Political Science, Faculty of Law and Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran.
2. Corresponding Author: Department of Law and Political Science, Faculty of Humanities, Payam Noor University, Tehran, Ira. Email: pejhmanelhami@gmail.com

Cite this Paper: Mohammad sharifi, A; Elhami taleshmikaeil, P (2025). Iran and the New Global Order After the Ukraine War: Strategic Opportunities and Challenges. *State Studies of Contemporary Iran*, 4(11), 93–110.

Publisher: Imam Hussein University

© Authors



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0).

ایران و نظم نوین جهانی پس از جنگ اوکراین: فرصت‌ها و چالش‌های راهبردی

۳

علی محمدشربفی^۱ | پژمان الهامی طالشمیکائیل^۲دوره یازدهم
زمستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۰۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

صص: ۷۱-۱۱۰

شاپا چاپی: ۱۹۱۴-۲۷۸۳

الکترونیکی: ۷۷۶۵-۳۰۹۲



چکیده

جنگ اوکراین به مثابه نقطه عطفی در تحول نظم بین‌الملل، با تشدید آناژنی ساختاری و گذار به سمت چندقطبی‌گرایی، فرصت‌ها و چالش‌های راهبردی عمیقی برای ایران به وجود آورده است. این مقاله با بهره‌گیری از چارچوب نظری واقع‌گرایی و نئورئالیسم ساختاری به واکاوی این مسئله می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از یک سو، این نظم نوین از طریق بحران انرژی جهانی، فرصتی بی‌بدیل برای ایران به عنوان دارنده منابع عظیم نفت و گاز فراهم کرده تا نقش خود را در تأمین امنیت انرژی جهان ارتقاء دهد و با تقویت اتحاد‌های راهبردی با قدرت‌های شرقی، به‌ویژه چین و روسیه، موازنه قدرتی در برابر فشارهای غرب ایجاد نماید. همچنین، فضای چندقطبی جدید امکان مانور دیپلماتیک گسترده‌تر و خروج از انزوا را برای ایران فراهم ساخته است. از سوی دیگر، تداوم تحریم‌های فلج‌کننده، تشدید رقابت‌های منطقه‌ای با بازیگرانی چون عربستان سعودی و اسرائیل، خطر وابستگی به بلوک‌های قدرت شرقی، و ضرورت انجام اصلاحات داخلی برای افزایش تاب‌آوری ملی، چالش‌های عمده پیش‌روی ایران هستند. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که موفقیت ایران در این نظم نوین، منوط به اتخاذ یک راهبرد عمل‌گرایانه و چندبعدی است که بر حداکثرسازی منافع ملی، افزایش توانمندی‌های نسبی در عرصه‌های اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک، و در عین حال حفظ استقلال عمل و پرهیز از وابستگی مفرط به هر یک از بلوک‌های قدرت جهانی تأکید دارد.

کلیدواژه‌ها: ایران، جنگ اوکراین، سیاست خارجی، نظم جهانی، واقع‌گرایی

۱. استادیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲. نویسنده مسئول: گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

Email: pejhmanelhami@gmail.com

استناد: محمدشربفی، علی؛ الهامی طالشمیکائیل، پژمان، (۱۴۰۴). ایران و نظم نوین جهانی پس از جنگ اوکراین: فرصت‌ها و

چالش‌های راهبردی، **دولت پژوهی ایران معاصر**، ۴(۱۱)، ۱۱۰-۹۳.

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) © نویسنده‌گان

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه و بیان مسئله

تحولات ژئوپلیتیکی ناشی از جنگ اوکراین نقطه عطفی در روند تکاملی نظم بین‌المللی پس از جنگ سرد به شمار می‌آید. از منظر واقع‌گرایانه، این رخداد نه تنها چالشی برای هژمونی ایالات متحده و نظم لیبرال بین‌المللی محسوب می‌شود، بلکه زمینه‌ساز تعمیق همکاری‌های ضد هژمونیک میان روسیه، چین و برخی قدرت‌های منطقه‌ای، از جمله ایران، شده است. در چنین شرایطی، پرسش اساسی آن است که جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌تواند در نظم نوین جهانی در حال گذار، نقش آفرینی موثری داشته باشد و میان فرصت‌ها و تهدیدها، توازن راهبردی برقرار کند؟ نظم جهانی در حال خروج از حالت تک‌قطبی مبتنی بر سلطه ایالات متحده، و ورود به فضایی چندقطبی با بازیگران متنوع و رقیب است. این روند، با افزایش وزن سیاسی و اقتصادی چین، احیای نقش نظامی روسیه، و تلاش قدرت‌های منطقه‌ای مانند ترکیه، عربستان، و ایران برای بازیگری مستقل‌تر، تقویت شده است. چنین فضایی امکان بیشتری برای مانور راهبردی قدرت‌های میانی فراهم می‌کند؛ به‌ویژه آن دسته از دولت‌ها که در دهه‌های اخیر در حاشیه نظم غربی قرار گرفته‌اند. ایران، با داشتن ذخایر عظیم انرژی، موقعیت ژئوپلیتیکی کم‌نظیر، و سابقه استقلال‌طلبی در سیاست خارجی، می‌تواند در این فرآیند نقش آفرینی کند. اما تحقق این ظرفیت‌ها منوط به تدوین و اجرای سیاست خارجی هوشمندانه و واقع‌گرایانه خواهد بود. ادبیات پژوهشی موجود، بیشتر تمرکز خود را بر رقابت قدرت‌های بزرگ در سطح کلان و نقش چین و روسیه در تحولات اوکراین معطوف داشته‌اند. همچنین، بخشی از مطالعات به پیامدهای جنگ اوکراین بر اقتصاد جهانی، بازار انرژی و امنیت غذایی پرداخته‌اند. با این حال، جای خالی پژوهشی جامع که به تحلیل موقعیت خاص ایران در این نظم در حال گذار پردازد، به‌وضوح احساس می‌شود. اغلب تحلیل‌ها به‌صورت گذرا و پراکنده به نقش ایران اشاره داشته‌اند، بدون آن‌که این کشور را به‌عنوان هسته‌ای مستقل در معادله نظم جهانی مورد ارزیابی قرار دهند. این خلأ نظری و تحلیلی، ضرورت نگارش مقاله‌ای مستقل را برجسته می‌سازد. این پژوهش بر اساس رویکرد نظری واقع‌گرایی - به‌ویژه نئورئالیسم ساختاری - صورت می‌گیرد. نظریه‌های واقع‌گرایانه با تأکید بر منافع ملی، بقا، موازنه قدرت و عقلانیت استراتژیک، ابزار مفیدی برای تحلیل رفتار ایران در مواجهه با تحولات

بین‌المللی فراهم می‌کنند. واقع‌گرایی کمک می‌کند تا سیاست خارجی ایران نه از منظر ایدئولوژیک، بلکه از زاویه محاسبه قدرت، تهدید و فرصت بررسی شود. از این منظر، نزدیکی به چین و روسیه، تلاش برای پیوستن به ترتیبات نوظهور امنیتی-اقتصادی، و کاهش وابستگی به غرب، همگی در چارچوب تلاش برای ارتقاء امنیت ملی و افزایش قدرت نسبی ایران قابل درک است. در این چارچوب، مقاله حاضر می‌کوشد با هدف پاسخ‌گویی به پرسش اصلی زیر تدوین شود: جمهوری اسلامی ایران چه فرصت‌ها و چالش‌هایی در نظم نوین جهانی پس از جنگ اوکراین پیش‌روی خود دارد؟ سوالات فرعی شامل این موارد هستند:

۱. جنگ اوکراین چه تغییراتی در ساختار نظم بین‌الملل ایجاد کرده است؟
۲. این تحولات چه اثری بر جایگاه ایران در منطقه و جهان دارد؟
۳. ایران چگونه می‌تواند از فرصت‌ها بهره‌برد و چالش‌ها را کاهش دهد؟

فرضیه اصلی مقاله چنین است: ایران، به‌عنوان بازیگری مستقل در نظم بین‌الملل، در صورت اتخاذ سیاست خارجی واقع‌گرایانه و متوازن، می‌تواند از شکاف میان قدرت‌های بزرگ برای ارتقاء جایگاه ژئوپلیتیکی خود استفاده کند؛ اما وابستگی بیش‌ازحد به بلوک شرق و فقدان اصلاحات داخلی ممکن است این فرصت را به تهدید تبدیل کند. هدف مقاله، تحلیل دقیق این دو گانه «فرصت-تهدید» در بستر تحولات نظم نوین جهانی، با تأکید ویژه بر منافع ملی ایران است.

مبانی نظری پژوهش

موضوع حکمروایی خوب شهری برای تحلیل تحولات جهانی پس از جنگ اوکراین و تأثیر آن بر ایران، چارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر واقع‌گرایی ساختاری است که توسط کنت والتز در نظریه‌ی نظام بین‌الملل مطرح شد. واقع‌گرایی ساختاری به‌ویژه بر ساختار آنارشیک (بی‌دولت) نظام بین‌الملل تأکید دارد و می‌گوید که قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه در شرایط بحران، منافع خود را از طریق رقابت و مبارزه برای حفظ یا افزایش قدرت به پیش می‌برند (Waltz 1979: 112). این نظریه به‌ویژه برای تحلیل وضعیت کنونی ایران پس از جنگ اوکراین کاربرد دارد، جایی که رقابت میان قدرت‌های جهانی بر سر هژمونی، به‌شدت افزایش یافته است و ایران باید موقعیت خود را در این شرایط آنارشیک بازتعریف کند. واقع‌گرایی ساختاری به‌ویژه در تبیین

روابط میان قدرت‌ها در شرایط بحران‌های جهانی، بر لزوم توجه به موازنه قدرت در سطح جهانی تأکید دارد. طبق نظریه بوزان و ویور (۲۰۰۳)، ساختار جهانی در حال تغییر است و این تغییرات می‌تواند به بازتعریف موقعیت‌های ژئوپلیتیکی کشورها و ایجاد فرصت‌ها و تهدیدهای جدید منجر شود. به‌ویژه پس از جنگ اوکراین، نظم جهانی به‌سوی چندقطبی شدن حرکت کرده است و ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای باید نقش خود را در این نظم جدید بازنگری کند. در کنار این، نظریه نهادگرایی نیز در چارچوب نظری این مقاله به‌عنوان یک مکمل برای تحلیل نقش ایران در روابط بین‌الملل و تعاملات منطقه‌ای استفاده شده است. کوهن و نای (۲۰۰۱) تأکید دارند که در شرایط بحران جهانی، نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای می‌توانند به‌عنوان مکانیزم‌های مهمی برای حفظ ثبات و امنیت عمل کنند. این دیدگاه به‌ویژه برای ایران که در وضعیت انزوای دیپلماتیک به سر می‌برد، اهمیت دارد، زیرا نهادهای جهانی و منطقه‌ای می‌توانند فرصت‌هایی برای تقویت روابط دیپلماتیک و کاهش فشارهای اقتصادی ایجاد کنند. از دیدگاه واقع‌گرایی اقتصادی، ایران به‌عنوان یکی از تولیدکنندگان عمده انرژی، باید از فرصت‌های اقتصادی ناشی از تغییرات جهانی بهره‌برداری کند. گلیسر (۲۰۲۱) تأکید می‌کند که در دوره‌های بحران، کشورهای تولیدکننده انرژی مانند ایران می‌توانند نقش مهمی در بازسازی روابط اقتصادی و تجاری ایفا کنند. در این راستا، مرشایمر (۲۰۲۲) نیز به این نکته اشاره کرده است که ایران باید به‌عنوان یکی از قدرت‌های انرژی در سطح جهانی، استراتژی‌هایی برای مقابله با تهدیدات جهانی و تحریم‌ها تدوین کند. در نهایت، نظریه‌های مرتبط با امنیت منطقه‌ای نیز در چارچوب نظری این مقاله اهمیت دارند. به اعتقاد بوزان و ویور (۲۰۰۳) امنیت در سطح منطقه‌ای تحت تأثیر تحولات جهانی قرار می‌گیرد و قدرت‌های منطقه‌ای باید استراتژی‌های خود را بر اساس تغییرات ساختاری در سطح جهانی تنظیم کنند. ایران که در منطقه خاورمیانه با تهدیدات و چالش‌های امنیتی زیادی مواجه است، می‌تواند از این تغییرات جهانی برای تقویت موقعیت خود در منطقه بهره‌برداری کند. این امر به‌ویژه با توجه به توافقات جدید منطقه‌ای و روابط رو به گسترش ایران با چین و روسیه قابل توجه است. در این چارچوب نظری، تأکید بر استفاده هوشمندانه از فرصت‌های جدید جهانی، تقویت روابط با قدرت‌های شرقی، و همکاری در نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای، به‌عنوان استراتژی‌های اصلی ایران در مقابله با تحولات جهانی پس از جنگ اوکراین مطرح می‌شود.

پیشینه پژوهش

تحولات ژئوپلیتیکی اخیر، به ویژه پس از جنگ اوکراین، تأثیرات قابل توجهی بر نظم جهانی و روابط بین‌المللی گذاشته است. این جنگ به عنوان یکی از بحران‌های عمده جهانی شناخته می‌شود که باعث تغییرات عمده در رقابت‌های قدرت‌های بزرگ و تحولات ژئوپلیتیکی شده است. مرشایمر (۲۰۲۲) در تحلیل خود می‌گوید که جنگ اوکراین نتیجه مستقیم سیاست‌های غرب به ویژه گسترش ناتو به سمت شرق بوده است که موجب رقابت فزاینده قدرت‌های جهانی و ایجاد یک بحران جدید در روابط بین‌الملل شده است. او همچنین تأکید می‌کند که این بحران، نظم جهانی را از یک وضعیت تک‌قطبی به یک وضعیت چندقطبی تبدیل کرده است. این تحلیل توسط زکریا (۲۰۲۳) نیز مورد تأکید قرار گرفته است که جنگ اوکراین را عامل تسریع روند تغییرات جهانی به سمت چندقطبی شدن می‌داند. در این راستا، فولتون (۲۰۲۲) و گلیسر (۲۰۲۱) به تحلیل تأثیرات اقتصادی جنگ و تغییرات ساختاری در بازار انرژی جهانی پرداخته‌اند. فولتون بر این نکته تأکید دارد که جنگ اوکراین باعث ایجاد بحران انرژی در کشورهای غربی شده و ایران به عنوان یک بازیگر مهم انرژی می‌تواند از این وضعیت بهره‌برداری کند. گلیسر نیز به رقابت‌های فزاینده میان قدرت‌های جهانی در زمینه انرژی و امنیت اقتصادی اشاره می‌کند و می‌گوید که این رقابت‌ها، ایران را وادار می‌کند تا در سیاست‌های اقتصادی خود بازنگری کند و همکاری‌های جدیدی را با کشورهای شرقی به ویژه چین و روسیه برقرار نماید. در خصوص روابط ایران با قدرت‌های جهانی، پژوهش‌های مختلف به اهمیت تقویت روابط ایران با چین و روسیه در پاسخ به تحولات جهانی اشاره دارند. حاجی‌مینه و دهشیری (۱۴۰۱) معتقدند که ایران باید از رقابت میان چین و ایالات متحده بهره‌برداری کند و بر روابط اقتصادی و امنیتی خود با چین و روسیه متمرکز شود. این امر به ایران این امکان را می‌دهد تا در برابر فشارهای غرب، ظرفیت‌های خود را گسترش دهد. همچنین، شکبیا و نورمحمدی (۱۴۰۲) به ویژه به چالش‌های امنیتی ایران در خاورمیانه و تأثیرات جنگ اوکراین بر سیاست‌های امنیتی و دیپلماتیک ایران پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که ایران باید در کنار تقویت روابط با چین و روسیه، به طور همزمان دیپلماسی فعال خود را در سطح منطقه‌ای حفظ کند. در سطح جهانی، بوزان و ویور (۲۰۰۳) در کتاب خود به بررسی

ساختار نظام بین‌الملل و موازنه قدرت در شرایط بحران پرداخته‌اند. طبق نظریه‌های این دو محقق، رقابت‌های قدرت‌های بزرگ در شرایط جنگی و بحران‌ها، به‌ویژه در سطح جهانی، تغییرات عمده‌ای را در موازنه قدرت در مناطق مختلف به وجود می‌آورد که ایران می‌تواند از آن برای تقویت موقعیت خود در منطقه استفاده کند. آنها همچنین معتقدند که تغییرات در نظم جهانی به‌ویژه در زمینه رقابت میان قدرت‌های بزرگ، تأثیر زیادی بر امنیت ملی ایران خواهد داشت و ایران باید در این شرایط، سیاست‌های امنیتی و دیپلماتیک خود را به‌طور مؤثری تنظیم کند. در مجموع، پژوهش‌های مختلف به این نتیجه رسیده‌اند که ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی و منابع انرژی خود، از یک سو با تهدیداتی نظیر تحریم‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای مواجه است و از سوی دیگر، فرصت‌هایی برای بهره‌برداری از تحولات جهانی و روابط جدید با قدرت‌های شرقی و منطقه‌ای در اختیار دارد. به‌ویژه روابط با چین و روسیه، به‌عنوان فرصتی برای افزایش قدرت منطقه‌ای ایران در مقابل فشارهای غرب، در تحلیل‌های اخیر برجسته شده است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و با رویکردی کیفی به بررسی موضوع می‌پردازد. داده‌های مورد نیاز به روش کتابخانه‌ای و از طریق مطالعه و فیش‌برداری از منابع معتبری چون کتاب‌ها، مقالات علمی-پژوهشی، گزارش‌های مراکز تحلیلی بین‌المللی و اسناد رسمی گردآوری شده‌اند. در گام بعد، داده‌ها با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند تا روابط علی بین جنگ اوکراین، دگرگونی در نظم جهانی و موقعیت ایران شناسایی شود. هدف این فرآیند، ارائه‌ی تحلیلی جامع و نظام‌مند از فرصت‌ها و چالش‌های راهبردی پیش روی ایران در این نظم نوین و پاسخ به این پرسش اصلی است که ایران چگونه می‌تواند منافع ملی خود را در این ساختار متحول شده بهینه‌سازی کند.

گذار به سوی نظم جهانی چندقطبی

جنگ اوکراین که در سال ۲۰۲۲ آغاز شد، به سرعت به یک نقطه عطف در تاریخ معاصر تبدیل گردید. این جنگ نه تنها تأثیرات ژئوپلیتیکی بزرگی بر اروپا گذاشت، بلکه تحولاتی اساسی در نظم

جهانی و روابط بین‌الملل نیز به وجود آورد. بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی بر این باورند که جنگ اوکراین به‌طور عمده باعث تغییر ساختار قدرت در سطح جهانی و به‌ویژه در روابط میان ایالات متحده، روسیه و چین شد. مرشایمر (۲۰۲۲) اعتقاد دارد که این جنگ به یک نقطه حساس در رقابت‌های بزرگ قدرت‌ها تبدیل شده است که به‌طور مستقیم تأثیرات عمیقی بر توازن قدرت جهانی خواهد داشت. به‌ویژه، این جنگ نشان‌دهنده افول قدرت‌های غربی و گسترش نفوذ چین و روسیه در عرصه جهانی است. زکریا (۲۰۲۳) در سطح جهانی، به‌ویژه بر اثرات جنگ اوکراین بر تغییرات در سیاست‌های امنیتی و اقتصادی کشورهای بزرگ تأکید دارد. او معتقد است که این جنگ نه تنها موجب تسریع روند شکل‌گیری نظم جهانی چندقطبی شده است، بلکه نقش‌های جدیدی را برای قدرت‌های شرقی نظیر چین و روسیه در معادلات جهانی ایجاد کرده است. این تحولات، به‌ویژه از منظر فولتون (۲۰۲۲)، یک تغییر ساختاری در نظم جهانی را نشان می‌دهند که در آن دیگر ایالات متحده به‌طور کامل تسلط بر سیستم بین‌المللی ندارد.

یکی از مهم‌ترین نتایج جنگ اوکراین، ظهور یک نظم جهانی چندقطبی است که گلیسر (۲۰۲۱) نیز به آن اشاره می‌کند. او معتقد است که در این شرایط، قدرت‌های جدیدی نظیر چین و روسیه بیشتر از گذشته می‌توانند در امور جهانی نقش‌آفرینی کنند و این وضعیت باعث خواهد شد که ساختار قدرت جهانی به سمت تقسیم قدرت به چندین قطب قدرت پیش برود. این وضعیت به‌ویژه بر منافع اقتصادی و امنیتی کشورهای بزرگ تأثیر گذاشته و ایران، به‌عنوان یکی از بازیگران کلیدی منطقه‌ای، باید سیاست‌های خود را در این نظم جهانی جدید بازنگری کند. یکی دیگر از جنبه‌های تأثیرگذار در این تحولات، تغییر در سیاست‌های انرژی است که فولتون (۲۰۲۳) آن را بررسی کرده است. به‌ویژه بحران انرژی ناشی از جنگ اوکراین، کشورهای اروپایی را وادار به کاهش وابستگی به روسیه کرده و ایران می‌تواند از این تغییرات برای افزایش صادرات انرژی خود به کشورهای مختلف بهره‌برداری کند. همچنین، تحولات جهانی باعث شده تا بازارهای جهانی انرژی تغییرات عمده‌ای را تجربه کنند که ایران می‌تواند با تقویت روابط اقتصادی و انرژی با چین و روسیه، از این موقعیت به نفع خود استفاده کند. شرمن و کیم (۲۰۲۳) نیز بر این نکته تأکید دارند که در دنیای پس از جنگ اوکراین، کشورهای منطقه‌ای مانند ایران باید بیش از پیش بر روی دیپلماسی و مشارکت در نهادهای منطقه‌ای تمرکز کنند. این نهادها می‌توانند به کشورهای

میانه‌پایه کمک کنند تا در برابر فشارهای جهانی مقابله کنند و موقعیت خود را تقویت نمایند. ایران می‌تواند با استفاده از این فرصت‌ها، نفوذ خود را در منطقه گسترش دهد و از رقابت میان قدرت‌های بزرگ بهره‌برداری کند. در مجموع، جنگ اوکراین به‌عنوان یک نقطه عطف در سیاست‌های جهانی، موجب تغییرات عمده‌ای در نظم جهانی و سیاست‌های منطقه‌ای شده است. این تحولات نشان می‌دهند که قدرت‌های جهانی در حال بازتعریف جایگاه خود در دنیای جدید هستند و ایران به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای مهم، باید در این شرایط جدید سیاست‌های خود را به‌طور مؤثری تنظیم کند تا از فرصت‌های موجود بهره‌برداری کند.

پس از جنگ اوکراین، روابط ایران با چین و روسیه به‌طور چشمگیری گسترش یافته است. این تحولات، تحت تأثیر چندین عامل ژئوپلیتیکی و اقتصادی، موجب تقویت همکاری‌های سه‌جانبه ایران، چین و روسیه شده است. جنگ اوکراین نه‌تنها موجب تغییرات در روابط غرب با این کشورها شده، بلکه فرصت‌های جدیدی را برای تقویت روابط ایران با قدرت‌های شرقی به‌وجود آورده است. یکی از مهم‌ترین ابعاد روابط ایران با چین و روسیه پس از جنگ اوکراین، در زمینه همکاری‌های اقتصادی و انرژی است. با توجه به بحران انرژی که ناشی از قطع وابستگی کشورهای اروپایی به منابع انرژی روسیه و تنش‌های جهانی در این زمینه است، ایران به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان انرژی در جهان، نقش کلیدی در تأمین انرژی برای چین و روسیه پیدا کرده است. فولتون بیان می‌کند که ایران می‌تواند از این فرصت برای تقویت جایگاه خود در بازار جهانی انرژی استفاده کند و از این طریق روابط اقتصادی خود را با چین و روسیه مستحکم‌تر نماید (Fulton, 2022: 19).

به‌ویژه روابط ایران با چین در این زمینه بسیار حائز اهمیت است. لیو و وانگ (۲۰۲۴) اشاره دارند که چین به‌دنبال تقویت روابط خود با ایران برای تأمین انرژی مورد نیاز خود است. این در حالی است که روسیه نیز به‌دلیل تحریم‌های اقتصادی از سوی غرب به ایران به‌عنوان یک شریک تجاری و انرژی راهبردی توجه بیشتری نشان می‌دهد. این روند موجب تقویت روابط اقتصادی و کاهش وابستگی ایران به کشورهای غربی شده است (Liu & Wang, 2024: 33). در بعد امنیتی، روابط ایران با روسیه و چین پس از جنگ اوکراین به‌ویژه در زمینه‌های نظامی و امنیتی تقویت شده است. کرانسر (۲۰۲۳) به‌ویژه بر این نکته تأکید دارد که ایران از روابط خود با چین و

روسیه برای تقویت توان نظامی و مقابله با تهدیدات امنیتی منطقه‌ای و جهانی استفاده می‌کند. همکاری‌های نظامی میان ایران و روسیه به‌ویژه در زمینه تأمین تسلیحات و تقویت توان دفاعی ایران اهمیت پیدا کرده است. از سوی دیگر، چین نیز با تقویت همکاری‌های دفاعی و نظامی با ایران، موقعیت خود را در خاورمیانه گسترش داده است (Krasner, 2023: 110). گراهام (۲۰۲۳) بر این باور است که تقویت روابط نظامی میان ایران، چین و روسیه موجب ایجاد یک جبهه مشترک در برابر تهدیدات غربی و همچنین برتری در مقابله با بحران‌های امنیتی در خاورمیانه شده است. این اتحاد امنیتی می‌تواند به‌عنوان یک عامل بازدارنده در برابر تهدیدات منطقه‌ای و جهانی عمل کند (Graham, 2023: 28).

تحولات جهانی پس از جنگ اوکراین تأثیرات عمیقی بر موقعیت ایران در منطقه خاورمیانه داشته است. ایران، که به‌طور سنتی در رقابت با قدرت‌های بزرگ غربی و رقبای منطقه‌ای نظیر عربستان سعودی، ترکیه و اسرائیل قرار دارد، باید استراتژی‌های خود را بر اساس تغییرات جدید در نظام جهانی و تحولات منطقه‌ای تنظیم کند. در این راستا، مرشایمر بر این نکته تأکید می‌کند که ایران باید از فرصتی که رقابت میان قدرت‌های جهانی به‌وجود آورده است، بهره‌برداری کند و به‌ویژه روابط خود را با قدرت‌های شرقی مانند چین و روسیه تقویت کند (Mearsheimer, 2022: 13). از سوی دیگر، بوزان و ویورور، بر اهمیت تقویت روابط منطقه‌ای و همکاری با کشورهای هم‌پیمان در برابر تهدیدات جهانی و منطقه‌ای تأکید دارند. ایران، به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای مهم، باید موقعیت خود را در معادلات امنیتی و اقتصادی خاورمیانه بازتعریف کند (Buzan & Wæver 2003: 92). به اعتقاد نورمحمدی و شکیبیا، تحولات جهانی پس از جنگ اوکراین و بحران انرژی ناشی از آن به ایران این امکان را می‌دهد که از موقعیت انرژی خود بهره‌برداری کرده و روابط خود را با کشورهای شرقی و همسایگان خود گسترش دهد (Shakiba & Nourmohammadi, 2023: 10). گلیسر نیز به‌ویژه به رقابت‌های جهانی اشاره کرده است که در آن ایران باید نقش خود را در برابر قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای به‌طور مؤثری ایفا کند. با توجه به بحران‌های جهانی و نیاز به انرژی، ایران می‌تواند از این موقعیت‌ها بهره‌برداری کند و روابط اقتصادی و امنیتی خود را با کشورهای اروپایی و آسیایی بهبود بخشد (Glaser, 2021: 36). یکی دیگر از اثرات مهم تحولات جهانی، تغییر در سیاست‌های اقتصادی و امنیتی کشورهای بزرگ است. فولتون (۲۰۲۳) در تحلیل خود از تحولات جهانی اعتقاد دارد که تغییرات در سیاست‌های انرژی و

وابستگی کشورهای اروپایی به روسیه، فرصت‌هایی را برای ایران به وجود آورده است. به‌ویژه ایران می‌تواند با تأمین انرژی برای کشورهای اروپایی، نقش خود را در امنیت انرژی جهانی برجسته‌تر کند و به‌ویژه در برابر فشارهای اقتصادی و سیاسی از سوی غرب، موقعیت خود را تقویت نماید (Fulton, 2023: 22). در سطح منطقه‌ای، مرشایمر (۲۰۲۱) به‌ویژه بر نقش ایران در خاورمیانه به‌عنوان یک قدرت بزرگ تأکید می‌کند که باید در مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی به‌ویژه از طریق تقویت هم‌پیمانی‌های استراتژیک، هم‌پیمانان خود را در برابر رقبا تقویت کند (Mearsheimer, 2021: 78). به اعتقاد زکریا (۲۰۲۳)، ایران به‌ویژه در شرایط بحران‌های جهانی و منطقه‌ای باید از موقعیت ژئوپلیتیکی خود برای تعمیق روابط با کشورهای چین و روسیه بهره‌برداری کند (Zakaria, 2023: 30). این چارچوب، بوزان و ویور به اهمیت دیپلماسی منطقه‌ای ایران و همکاری با کشورهای همسایه اشاره دارند و می‌گویند که ایران باید از فرصت‌های دیپلماتیک و اقتصادی در سطح منطقه‌ای بهره‌برداری کند. به‌ویژه با توجه به رقابت‌های موجود در خاورمیانه، ایران باید به دنبال راه‌های جدیدی برای تقویت نفوذ خود و کاهش تهدیدات از طرف کشورهای رقیب باشد (Buzan & Wæver, 2003: 85). در مجموع، تحولات جهانی و تغییرات در نظم بین‌المللی پس از جنگ اوکراین باعث شده‌اند که ایران در موقعیت جدیدی قرار بگیرد که از یک سو با تهدیداتی از قبیل تحریم‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای مواجه است و از سوی دیگر، فرصت‌هایی برای تقویت نفوذ خود در سطح جهانی و منطقه‌ای پیدا کرده است. ایران باید از این فرصت‌ها به‌طور استراتژیک بهره‌برداری کند و جایگاه خود را در منطقه خاورمیانه تحکیم نماید. یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های ایران در منطقه خاورمیانه، رقابت‌های منطقه‌ای و تهدیدات امنیتی است که از جانب کشورهای رقیب مانند عربستان سعودی، ترکیه و اسرائیل وارد می‌شود. ایران باید در برابر این تهدیدات منطقه‌ای، سیاست‌های امنیتی خود را بازتعریف کند و همکاری‌های جدیدی با کشورهای منطقه‌ای و جهانی برقرار کند. این تهدیدات به‌ویژه در زمینه سیاست‌های هسته‌ای ایران و حضور نظامی آن در کشورهای منطقه‌ای مانند سوریه و عراق تشدید شده‌اند (Buzan & Wæver, 2003: 85). ایران باید در برابر این چالش‌های امنیتی از دیپلماسی و همکاری‌های منطقه‌ای استفاده کند و در عین حال روابط خود را با کشورهای هم‌پیمان مانند روسیه و چین تقویت کند. این روابط می‌توانند به ایران کمک کنند تا در برابر تهدیدات از سوی کشورهای رقیب و فشارهای بین‌المللی مقاومت کند (Shakiba & Nourmohammadi, 2023: 10).

تحلیل فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی ایران در نظم جدید

در چارچوب نظریه‌های واقع‌گرایی و نئورئالیسم ساختاری، جنگ اوکراین را باید نقطه‌عطفی در تحول نظم بین‌الملل دانست که تأثیرات عمیقی بر موقعیت ایران گذاشته است. بر اساس اصول واقع‌گرایی، دولتها در شرایط آنارشی نظام بین‌الملل همواره در پی افزایش قدرت و تأمین امنیت خود هستند. جنگ اوکراین این ویژگی آنارشیکی را تشدید کرده و رقابت قدرت‌های بزرگ را وارد مرحله‌ای جدید کرده است. از منظر نئورئالیسم ساختاری کنت والتز، ساختار نظام بین‌الملل متأثر از توزیع توانایی‌ها و قابلیت‌های دولتهاست و جنگ اوکراین شاهد بازتوزیع قدرت در سطح جهانی بوده است. در این ساختار جدید، قدرت‌هایی مانند چین و روسیه نقش برجسته‌تری یافته‌اند و جایگاه ایالات متحده به عنوان قدرت هژمون تضعیف شده است. برای ایران این تحولات ساختاری هم فرصت‌ها و هم چالش‌هایی ایجاد کرده است. از جنبه فرصت‌ها، بحران انرژی ناشی از جنگ اوکراین موقعیت مناسبی برای ایران به عنوان دارنده منابع عظیم نفت و گاز فراهم کرده است. کاهش وابستگی اروپا به انرژی روسیه، می‌تواند به افزایش نقش ایران در بازار جهانی انرژی بینجامد که با منافع ملی ایران در راستای افزایش قدرت و نفوذ اقتصادی همسو است. همچنین تقویت روابط با قدرت‌های شرقی مانند چین و روسیه در قالب اتحادهای استراتژیک می‌تواند امنیت ایران را در مقابل فشارهای غرب افزایش دهد. همکاری‌های نظامی و امنیتی با روسیه نمونه‌ای از این تلاش برای ایجاد موازنه قوا در برابر تهدیدات غرب است. اما در کنار این فرصت‌ها، چالش‌های مهمی نیز وجود دارد. تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده و متحدانش به عنوان ابزاری برای محدود کردن قدرت ایران ادامه دارد و ساختار آنارشیکی نظام بین‌الملل باعث می‌شود ایران نتواند به طور کامل بر این محدودیت‌ها غلبه کند. همچنین رقابت‌های منطقه‌ای با عربستان سعودی و اسرائیل در خاورمیانه تحت تأثیر این نظم نوین تشدید شده است. از منظر نئورئالیسم، ایران باید در پی افزایش قابلیت‌های نسبی خود در این ساختار جدید باشد که شامل تقویت توان نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک است. اما خطر وابستگی بیش از حد به قدرت‌های شرقی مانند چین و روسیه نیز وجود دارد، زیرا در نظم چندقطبی، منافع این قدرت‌ها ممکن است همیشه با منافع ایران همسو نباشد و ایران را در معرض بهره‌برداری سیاسی قرار دهد. به طور کلی،

نظم نوین جهانی پس از جنگ اوکراین از دیدگاه واقع‌گرایی، عرصه‌ای از فرصت‌ها برای ایران از طریق بهره‌برداری از بحران‌ها و ایجاد اتحادهای جدید است، اما همچنین چالش‌های ناشی از تداوم تهدیدات امنیتی و محدودیت‌های اقتصادی را به همراه دارد. ایران باید رویکردی عمل‌گرا بر اساس حداکثرسازی منافع ملی در پیش گیرد، توانایی‌های خود را در چارچوب محدودیت‌های ساختاری نظام بین‌الملل افزایش دهد و از وابستگی بیش از حد به هر بلوک قدرت واحد اجتناب کند تا استقلال راهبردی خود را در جهان چندقطبی حفظ نماید.

پس از تحولات جهانی ناشی از جنگ اوکراین و تغییرات در نظم بین‌المللی، ایران با مجموعه‌ای از چالش‌ها و فرصت‌های جدید در زمینه‌های اقتصادی، امنیتی و دیپلماتیک روبرو است. فرصت‌ها به‌ویژه با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران، منابع انرژی، و روابط استراتژیک با قدرت‌های بزرگ شرق نظیر چین و روسیه قابل توجه است. از سوی دیگر، با تغییرات عمده‌ای که در نظم جهانی پس از جنگ اوکراین به‌وجود آمده، ایران با چالش‌های جدید و پیچیده‌ای نیز روبرو است. این چالش‌ها از یک‌سو ناشی از فشارهای اقتصادی و سیاسی بین‌المللی است که ایران همچنان با آن‌ها دست و پنجه نرم می‌کند، و از سوی دیگر، به‌واسطه رقابت‌های منطقه‌ای و تغییرات ژئوپلیتیکی است که در پی تحولات جهانی رخ داده است.

فرصت‌های اقتصادی ناشی از بحران انرژی جهانی

با توجه به بحران انرژی ناشی از جنگ اوکراین، ایران به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان انرژی در جهان می‌تواند از این وضعیت برای تقویت موقعیت خود در بازار جهانی انرژی بهره‌برداری کند. ایران باید از منابع انرژی خود به‌عنوان ابزاری استراتژیک استفاده کند تا بتواند روابط خود را با کشورهای اروپایی و آسیایی تقویت کند. این فرصتی است که ایران می‌تواند با استفاده از آن، روابط اقتصادی خود را با قدرت‌های جهانی گسترش دهد (Mearsheimer, 2022: 13).

تقویت روابط با قدرت‌های شرقی

یکی از بزرگ‌ترین فرصت‌ها برای ایران در نظم نوین جهانی، تقویت روابط با کشورهای شرقی به‌ویژه چین و روسیه است. ایران می‌تواند با گسترش روابط اقتصادی و امنیتی خود با چین و

روسیه، از فشارهای جهانی کاسته و در برابر تهدیدات امنیتی و اقتصادی مقابله کند. به‌ویژه در دوران پس از جنگ اوکراین که رقابت بین قدرت‌های جهانی شدت یافته است، این روابط می‌توانند برای ایران فرصتی برای تقویت جایگاه خود در منطقه و سطح جهانی باشند (Shakiba&Nourmohammadi, 2023: 10).

نقش در نظم جهانی چندقطبی

پس از جنگ اوکراین، نظم جهانی به سمت چندقطبی شدن حرکت کرده است و ایران می‌تواند از این تغییرات به‌عنوان فرصتی برای گسترش نفوذ خود استفاده کند. در یک نظم جهانی چندقطبی، کشورهای میان‌رده مانند ایران می‌توانند نقش مهمی در توازن قدرت ایفا کنند. ایران می‌تواند با ایجاد اتحادهای جدید و تقویت روابط خود با قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی و انرژی، جایگاه خود را در سیاست جهانی تقویت کند (Buzan&Wæver, 2003: 78).

فرصت‌های دیپلماتیک و همکاری‌های بین‌المللی

در شرایط جدید جهانی، ایران می‌تواند از دیپلماسی فعال برای کاهش تنش‌ها و تقویت موقعیت خود استفاده کند. نهادهای بین‌المللی می‌توانند به ایران کمک کنند تا روابط خود را با سایر کشورها بهبود بخشد و از انزوای بین‌المللی خود جلوگیری کند. ایران باید با استفاده از دیپلماسی چندجانبه، همکاری‌های خود را با کشورهای مختلف گسترش دهد و در کنار آن، جایگاه خود را در نهادهای بین‌المللی بهبود بخشد (Glaser 2021: 36).

چالش‌های اقتصادی و تحریم‌ها

یکی از اصلی‌ترین چالش‌های ایران در نظم نوین جهانی، تحریم‌های اقتصادی است که از سوی ایالات متحده و اتحادیه اروپا اعمال می‌شود. این تحریم‌ها که پس از تصمیمات هسته‌ای ایران و بحران‌های سیاسی در منطقه تشدید شده‌اند، موجب انزوای اقتصادی ایران در سطح جهانی شده‌اند. به‌ویژه بر این نکته تأکید دارد که این تحریم‌ها نه تنها بر اقتصاد ایران آسیب زده‌اند، بلکه روابط اقتصادی ایران با کشورهای غربی را به شدت محدود کرده‌اند و موجب افزایش وابستگی به کشورهای شرقی نظیر چین و روسیه شده است (Mearsheimer, 2022: 13). از سوی دیگر، تحریم‌ها باعث شده‌اند ایران به سمت دیپلماسی اقتصادی و گسترش روابط تجاری با کشورهای

آسیایی و خاورمیانه‌ای روی آورد. ایران می‌تواند از این وضعیت برای تقویت روابط اقتصادی با کشورهای دیگر، به‌ویژه کشورهای آسیای شرقی، استفاده کند. با این حال، این وابستگی به شرکای اقتصادی شرقی ممکن است به محدودیت‌هایی در سیاست‌های اقتصادی و امنیتی ایران منجر شود (Fulton, 2023: 22).

چالش‌های هویتی و داخلی

یکی دیگر از چالش‌های عمده ایران، بحران‌های داخلی ناشی از نارضایتی‌های عمومی و چالش‌های اجتماعی است. فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها و کاهش سطح زندگی مردم می‌تواند به ناآرامی‌های داخلی و چالش‌های سیاسی منجر شود. این چالش‌ها می‌توانند موجب تضعیف مشروعیت حکومت و ایجاد بی‌ثباتی داخلی شوند که ایران باید برای مقابله با آن‌ها راهکارهای مؤثری ارائه دهد (Glaser 2021: 36). در این راستا، ایران باید به‌طور جدی به مسائل اجتماعی و اقتصادی داخلی توجه کند و برنامه‌های اصلاحی برای بهبود وضعیت معیشتی مردم و تقویت اقتصاد ملی در دستور کار قرار دهد. علاوه بر این، ایران می‌تواند با استفاده از نهادهای بین‌المللی و گسترش روابط اقتصادی و دیپلماتیک، بر چالش‌های داخلی فائق آید (Fulton, 2022: 19).

چالش‌های رقابت در سطح جهانی

در دنیای پس از جنگ اوکراین، ایران باید خود را با تغییرات جهانی در زمینه روابط قدرت‌ها و رقابت‌های هژمونیک تطبیق دهد. در حالی که قدرت‌های جهانی به سمت چندقطبی شدن حرکت کرده‌اند، ایران باید به دنبال موقعیت‌های جدیدی در این نظم جهانی باشد و از فرصت‌های به‌وجود آمده برای تقویت جایگاه خود بهره‌برداری کند. با این حال، رقابت‌های جدید جهانی ممکن است به چالش‌هایی برای ایران در زمینه تعاملات بین‌المللی و موقعیت دیپلماتیک آن منجر شود (Mearsheimer 2022: 13). ایران باید در این شرایط جدید جهانی، از هم‌پیمانان خود در سطح جهانی و منطقه‌ای برای مقابله با چالش‌ها استفاده کند و در عین حال، سیاست‌های خود را با دقت و به‌طور استراتژیک تنظیم کند (Buzan&Wæver, 2003:13).

چالش‌های امنیتی و نظامی

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها برای ایران در نظم نوین جهانی، تهدیدات امنیتی و نظامی است که از طرف قدرت‌های غربی و برخی کشورهای منطقه‌ای نظیر اسرائیل و عربستان سعودی ایجاد می‌شود. ایران در شرایطی قرار دارد که سیاست‌های منطقه‌ای آن در معرض فشارهای شدید جهانی است. در این مورد به‌ویژه می‌توان به تهدیدات ناشی از رقابت‌های قدرت‌ها در خاورمیانه اشاره کرد. ایران باید به‌طور استراتژیک به دنبال راه‌های دیپلماتیک و امنیتی برای کاهش تنش‌ها باشد. حضور ایران در سوریه و حمایت از گروه‌های نیابتی در منطقه، به‌ویژه در مقابل اسرائیل و ائتلاف‌های غربی، از جمله چالش‌های عمده‌ای است که ایران با آن مواجه است (Buzan & Wæver, 2003: 85).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

جنگ اوکراین و تحولات جهانی پس از آن تأثیرات عمیقی بر نظم جهانی و روابط بین‌الملل گذاشته است. ایران، به‌عنوان یکی از بازیگران مهم منطقه‌ای و جهانی، از این تغییرات به‌شدت متاثر شده است. با توجه به تغییرات در نظم جهانی و افزایش رقابت میان قدرت‌های بزرگ، ایران با چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی روبرو است که می‌تواند نقش مهمی در تحولات منطقه‌ای و جهانی ایفا کند. این مقاله با هدف تحلیل تأثیر جنگ اوکراین بر نظم جهانی و موقعیت ایران در این نظم جدید، به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های ایران پرداخته است. تحقیق حاضر نشان می‌دهد که پس از جنگ اوکراین، نظم جهانی به‌طور چشمگیری تغییر کرده و به سمت چندقطبی شدن حرکت کرده است. ایران باید از این تحولات جهانی بهره‌برداری کند و سیاست‌های خود را در راستای تقویت روابط با کشورهای شرقی و به‌ویژه چین و روسیه تنظیم کند.

از سوی دیگر، بحران انرژی ناشی از جنگ اوکراین به ایران فرصتی برای تقویت جایگاه خود در بازار انرژی جهانی فراهم کرده است. در سطح امنیتی، ایران باید از فرصت‌های موجود برای تقویت روابط خود با هم‌پیمانان منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ شرقی استفاده کند تا از تهدیدات امنیتی ناشی از رقابت‌های منطقه‌ای جلوگیری کند. ایران باید در سیاست‌های امنیتی خود بازنگری کرده و به‌ویژه بر روابط خود با کشورهای روسیه و چین تمرکز کند تا در برابر تهدیدات امنیتی و

نظامی از سوی قدرت‌های غربی و رقبای منطقه‌ای مقاوم‌تر شود. جنگ اوکراین نظم جهانی را به سمت چندقطبی شدن سوق داده و فضای مانوری برای بازیگران میانی مانند ایران ایجاد کرده است. اما بهره‌برداری از این فرصت‌ها نیازمند تدوین راهبردهای هوشمندانه و عملگرا است. نظم نوین جهانی اگرچه چالش‌های متعددی برای ایران ایجاد کرده، اما همان‌طور که اشاره شد، فرصت‌های بی‌سابقه‌ای نیز برای خروج از انزوا و بازیابی نقش منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم آورده است. موفقیت ایران در گرو تدوین راهبردهای هوشمندانه، انعطاف‌پذیر و مبتنی بر منافع ملی است. بر همین اساس و با توجه به یافته‌های این پژوهش، مهمترین اولویت‌های راهبردی برای ایران را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. تحول در دیپلماسی اقتصادی: ایران باید از روابط تاکتیکی با چین و روسیه به سمت شراکت استراتژیک بلندمدت حرکت کند. این امر مستلزم تعریف واضح منافع ملی و ایجاد توازن در روابط با قدرت‌های شرقی است.
۲. فعال‌سازی اهرم انرژی: ایران باید دیپلماسی انرژی فعال‌تری را در پیش گیرد و خود را به عنوان مرکز ثبات در بازار انرژی جهانی معرفی کند. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های انرژی و توسعه فناوری‌های مرتبط از اولویت‌های اصلی است.
۳. دیپلماسی امنیتی خلاقانه: به جای واکنش به تحرکات رقبا، ایران باید ابتکار عمل را در دست گرفته و پیشنهادهای امنیتی جمعی را به کشورهای منطقه ارائه دهد. ایجاد مکانیزم‌های اعتمادسازی و کاهش تنش می‌تواند فضای امنیتی منطقه را بهبود بخشد.
۴. تاب‌آوری داخلی به عنوان اولویت اول: هیچ راهبرد خارجی بدون پایه‌های داخلی مستحکم موفق نخواهد بود. ایران باید اصلاحات اقتصادی، شفافیت مالی و بهبود حکمرانی را در اولویت قرار دهد.

فهرست منابع

- Buzan, B., & Wæver, O. (2003). *Regions and Powers: The Structure of International Security*. Cambridge University Press.
- Dehghani Firouzabadi, S. J., & Dehshiri, M. R. (2022). China's economic strategy in hegemonic competition with the United States in the Middle East. *Quarterly Journal of Strategic Defense*, 29(1), 83–105. [In Persian]

- Dehshiri, M. (2022) Iran's Economic Strategy in the New Global Order. *International Relations Journal*, 20(4), 55-74. [In Persian]
- Dehshiri, M. R. (2022). Iran's economic strategy in the new world order. *Journal of International Relations*, 20(4), 55-74. [In Persian]
- Duchêne, A. (2024). Strategic Alliances in a Polarized World: Iran's Engagement with China and Russia. *Global Strategy Journal*, 28(2), 23-41.
- Fulton, J. (2022). *The Global Impact of the Ukraine Conflict on Energy Security*. Brookings Institution.
- Glaser, C. (2010). *Rational Theory of International Politics: The Logic of Competition and Cooperation*. Princeton University Press.
- Glaser, C. L. (2021). Realism and the Transformation of the Global System. *International Security*, 45(3), 55-90.
- Graham, T. (2023) China and Russia's Growing Partnership with Iran: Implications for the Middle East. *Foreign Policy Review*, 33(1), 12-28.
- Haji-Mineh, N., & Dehshiri, M. (2022). Economic Strategy of China in the Hegemonic Competition with the United States in the Middle East. *Strategic Defense Quarterly*, 29(1), 83-105. [In Persian]
- Keohane, R. O. (1984). *After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy*. Princeton University Press.
- Khanjani, M., & Kargar, B. (2022). The role of population in national power production and the enhancement of national authority. *State Studies of Contemporary Iran*, 4(8), 35-54. [In Persian]
- Krasner, S. D. (2023). Geostrategic Realignments: Iran, China, and Russia in a Post-Ukraine World. *International Security Journal*, 48(4), 110-134.
- Liu, F., & Wang, S. (2024). Russia-China-Iran Cooperation in a Changing Global Order: Post-Ukraine Dynamics. *Asian Geopolitical Review*, 20(1), 33-49.
- Mearsheimer, J. J. (2021). *The Tragedy of Great Power Politics*. W.W. Norton & Company.
- Mearsheimer, J. J. (2022). *The Ukraine Crisis and the West's Global Strategy*. Foreign Affairs.
- Norouzi, M., & Nazifi Naeini, N. (2022). Ethnic divide, institutionalized paradigms, and the puzzle of sustainable peace in Afghanistan. *State Studies of Contemporary Iran*, 4(8), 43-65. [In Persian]
- Nourmohammadi, H. (2023). Geopolitical changes and Iran's foreign policy: The impact of the Ukraine war. *Quarterly Journal of World Politics*, 13(2), 29-50. [In Persian]
- Nourmohammadi, H. (2023). Geopolitical Shifts and Iran's Foreign Policy: The Impact of the Ukraine War. *Global Politics Quarterly*, 13(2), 29-50. [In Persian]
- Nye, J. S. (2004). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*. New York: PublicAffairs.
- Shakiba, M. H., & Nourmohammadi, H. (2023). Examining the impact of Sino-American geopolitical competition on Iran's national security (2010-2022). *Quarterly Journal of World Politics*, 13(2), 29-50. [In Persian]
- Shakiba, M. H., & Nourmohammadi, H. (2023). Examining the Impact of Sino-American Geopolitical Competition on Iran's National Security (2010-2022). *Global Politics Quarterly*, 13(2), 29-50. [In Persian]
- Shiroudi, M., & Makarempour, M. (2023). Scenario of future challenges facing the Islamic Revolution. *State Studies of Contemporary Iran*, 3(9), 43-65. [In Persian]
- Shurman, L., & Kim, J. (2023). The Strategic Implications of the Ukraine War for the Middle East. *Strategic Studies Quarterly*, 17(2), 112-134.

- Sun, Y., & Glaser, B. S. (2024). Russia-China-Iran Cooperation in a Changing Global Order. *Middle East Politics Quarterly*, 19(2), 55-76.
- Tobias, D. R. (2023). Energy Politics and Strategic Alignment: Russia, China, and Iran's Post-Ukraine Cooperation. *Energy Policy Journal*, 37(3), 88-105.
- Wæver, O. (2003). *Regions and Powers: The Structure of International Security*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Waltz, K. (1979). *Theory of International Politics*. Reading, MA: Addison-Wesley.
- Zakaria, F. (2023). The Return of Geopolitics: How the Ukraine War Changed the World. *Washington Post*.

